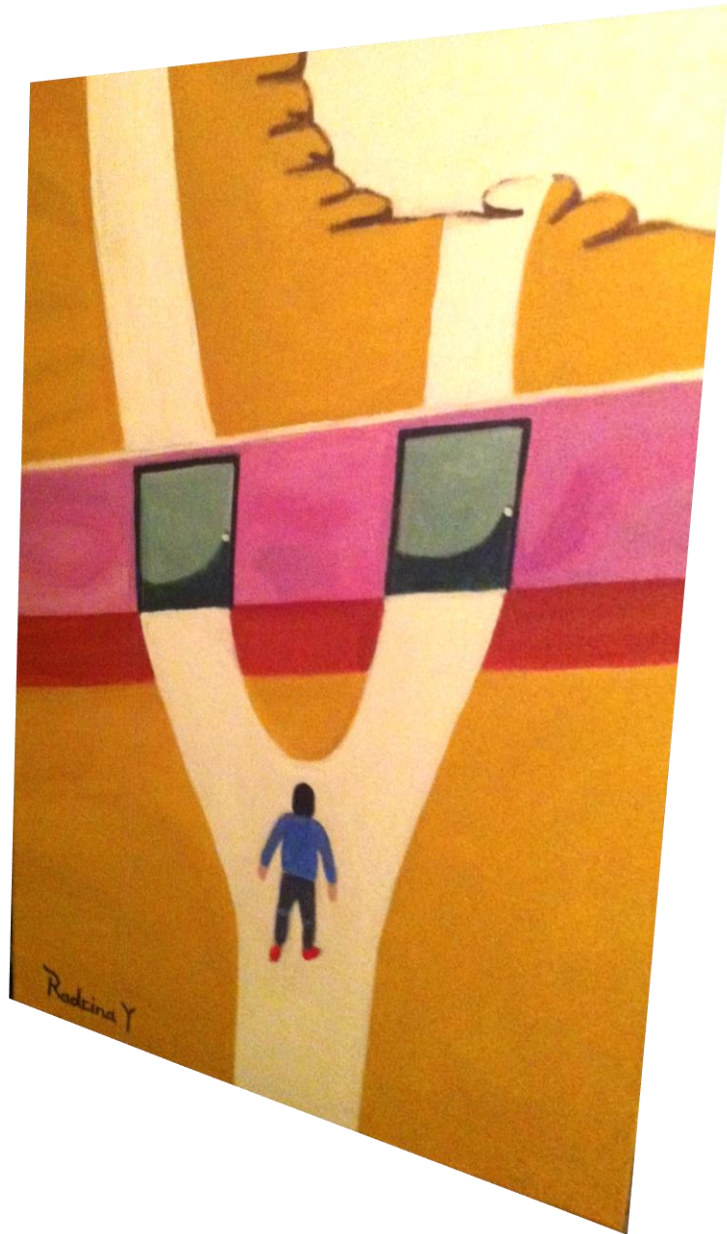


The Crowd or The Cross?

مردم يا صليب؟



بخش اول: مقدمه

مردم یا صلیب؟

مردم می گویند ما را پیروی کن

صلیب می گوید مرا متابعت کن

مردم می گویند بهما اعتماد کن

صلیب می گوید به من اعتماد کن

مردم می گویند ارزش ات را به دست آور

صلیب می گوید من ارزش تو هستم

مردم می گویند بارهایت را تَحْمَلْ کن

صلیب می گوید بارهایت را بر من میخکوب کن

مردم می گویند خوش باش

صلیب می گوید مُقدس باش

مردم می گویند اگر احساس خوبی می دهد؛ انجام ده

صلیب می گوید به خاطر عشق و محبت تَحْمَلْ کن

مردم می گویند به خودت افتخار کن

صلیب می گوید خودت را فروتن ساز

مردم می گویند انجام بده

صلیب می گوید به انجام رسید!

مردم یا صلیب؟

صدای کدام رسا تر است؟

گوسفندان من آواز مرا می شنوند و من آنها را می شناسم و مرا متابعت می کنند (یوحنا ۱۰: ۲۷)

بسیاری اوقات ما گرفتار صدا هایی می شویم که از سوی دنیا به گوش ما می رسند. بطور دائم، با سخنان و تصاویر مختلف مورد تهاجم و بمباران قرار می گیریم تا از آن چشم انداز ابدی که در ذهن داریم دور شویم. و در این میان، چه ساده است که نجوای سخنان خداوندمان عیسی مسیح را در صدای این دنیای پیرامونمان، نشنویم! دنیای که دائماً می گوید چه چیزی به نفعمان است، چه چیزی درست است. دنیا همیشه می گوید این کار را انجام بده، آن کار را انجام بده...! اما انجیل عیسی مسیح را در یک واژه می توان خلاصه نمود: آنچه لازم بود به انجام رسید! بنابراین مهم است که مقایسه کنیم که مردم این دنیا چه می گویند و صلیب مسیح چه می گوید! در دنیای پُر سر و صدا، زندگی می کنیم اما گوسفندان خداوند صدای او را می شنوند!

۱. نگاه کتاب مقدس به جهان

ماهیت دنیا از نگاه کتاب مقدس

دنیای که ما می خواهیم در این درس راجع به آن صحبت کنیم؛ صرفاً این دنیای مادی و خلق شده نیست بلکه منظور ما بیشتر متوجه نظم و سیستمی است که شیطان آنرا بر این دنیای مادی مسلط نموده است.

در زبان یونانی که عهد جدید به آن نگاشته شده؛ سه کلمه متفاوت وجود دارند که همگی مفهوم "دنیا" را در بردارند. ۱. آیون ("aion") که به مفهوم زمان بوده و به دوره های متفاوت زمانی این جهان هستی اشاره دارد. ۲. کاسموس ("kosmos") که بیشتر به نظم و شکل و تناسب این دنیا اشاره دارد. ۳. آیکیومن ("oikoumene") که بیشتر به مفهوم زمین و محل سکونت گزیدن، می باشد. در کلام خدا، اکثر آیاتی که راجع به جهان سخن می گویند همگی به سیستمی اشاره دارند که توسط شیطان بنا نهاده شده بر این دنیا مسلط شده اس (kosmos). این آن جهان یا سیستمی است که مسیحیان منع شده اند با آن مرادوت داشته و از آن جدا شوند.

شیطان به عنوان شاهزاده و خداوند این جهان

در اول یوحنا ۱۲: ۳۱ و ۱۴: ۳۰، خداوند شیطان را به عنوان " رئیس این جهان " خطاب می کند. و در افسسیان ۲: ۲ به ما گفته شده: " که در آنها قبل، رفتار می کردید بر حسب دوره این جهان، بر وفق رئیس قدرت هوا یعنی آن روحی که الحال در فرزندان معصیت عمل می کند ". دنیایی که پیرامون ما را فرا گرفته است مطابق دستور و فرمان شیطان، فرمانروای خویش، و نیروهای شرارت تابع او، عمل می کند و از نجات خداوند به دور است.

دوم قرنیتان ۴: ۴، شیطان را "خداى این جهان" خطاب می کند و غلاطیان ۱: ۴ ما را باین عبارات آشنا می کند "عالم شیطان" یا چیزی شبیه به "خداى این زمان". به این دلیل که، او خداوند و فرمانروای سیستمی اسن که بر این جهان آفریده است و او

نقشه های خود را دنبال می کند و دنیا و زمانه ای که در آن زندگی می کنیم از آن او است. " و می دانیم که از خدا هستیم و تمام دنیا در شریر خوابیده است" (اول یوحنا ۵: ۱۹).

جهان مسیح را مصلوب نمود

وقتی عیسی مسیح پا بر این جهان هستی گذارد؛ جهان او را نشناخت (یوحنا ۱: ۱۰). کمی بعد یهودیان و غیر یهودیان، دینداران و بی دین نان جملگی متفق شدند تا او را رد نموده؛ مصلوب نمایند. عنوانی که برای صلیب او مرقوم شد به زبان عبری، یونانی و لاتین بود. یعنی به زبان مذهبی جهان تحصیلکرده و سیاسی آن زمان. بنابراین به عبارتی دیگر تمام ابعاد سیستم دنیا در رد نمودن عیسی مسیح خداوند با هم متحد شدند و او را مصلوب نمودند.

در وصف حکمت خداوند، پولس رسول در اول قرن تیان ۲: ۷-۸، می نویسد: " بلکه حکمت خدا را در سرّی بیان می کنیم، یعنی آن حکمت مخفی را که خدا پیش از دهرها برای جلال ما مقدر فرمود، که احدی از رؤسای این عالم آن را ندانست زیرا اگر می دانستند خداوند جلال را مصلوب نمی کردند." بنابراین رئیس این جهان و آنانی عیسی مسیح، حکمت خدا را به صلیب کشیدند به عنوان جهال معرفی می شوند .

در یوحنا ۱۵: ۱۸-۲۵، عیسی مسیح از جهانی صحبت می کند که از او و پدر، بی هیچ دلیلی، متنفر است. این روش دنیا نسبت به مسیح و خدای پدر هنوز نیز همچنان ادامه دارد. و هرگز از جنایت هولناک مصلوب نمودن مسیح، پشیمان نشده است. بنابراین سیستم این جهان آلوده به گناه ریختن خون بی گناه فرزند خدا بوده، و مسیحیانی که خدا را دوست دارند و حقیقتاً پیرو خداوند رد شده خود می باشند؛ باید از این دنیا جدا شوند .

صلیب ما را از این جهان جدا می کند

حال که جهان مسیح را با ارتداد و مصلوب شدن مواجه نمود، مسیحیان چگونه می توانند چنین جهانی را دوست داشته باشند که شیطان رئیس و خداوندگار آن است و از مسیح و پدرش متنفر می باشد؟ دوستی با چنین دنیایی دشمنی با خدا است. همانطور که یعقوب رسول می فرماید: " ای زانیات، آیا نمی دانید که دوستی دنیا، دشمنی خداست؟ پس هر که می خواهد دوست دنیا باشد، دشمن خدا گردد". پولس رسول نیز می گوید: "لیکن حاشا از من که فخر کنم جز از صلیب خداوند ما عیسی مسیح که بوسیله او دنیا برای من مصلوب شد و من برای دنیا" (غلاطیان ۶: ۱۴). صلیب عیسی مسیح باید در میان مسیحیان چون مانعی غیر قابل عبور و غیر قابل نفوذ، قرار گیرد. که گویی این جدایی تا ابد تحقق یافته است.

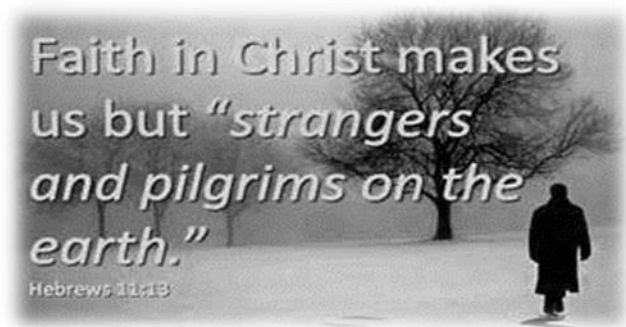
مسیحیان از آن جهان نیستند

در یوحنا ۱۵: ۱۹ خداوند می فرماید: " اگر از جهان می بودید، جهان خاصان خود را دوست می داشت. لکن چون که از جهان نیستید بلکه من شما را از جهان برگزیده‌ام، از این سبب جهان با شما دشمنی می کند". خداوند ما را از این جهان جدا نموده

است و در کار نجات بخش خویش، ما را از قدرت تاریکی و از ملکوت شیطان رهایی بخشید. و " ما را از قدرت ظلمت رهانیده، به ملکوت پسر محبت خود منتقل ساخت" (کولسیان ۱: ۱۳). تابعیت و تعلق ما به آسمان است (فیلیپیان ۳: ۲۰؛ مکاشفه). بنابراین مسیحیان متعلق به دنیایی دیگری هستند؛ متعلق به پادشاهی می باشند که مسیح مرکز آن می باشد و آنچه در پیرامون آن قرار دارد از شیطان نمی باشد.

مسیحیان در جهان هستند ولی از آن جهان نیستند. مثل کشتی که بر دریا روان است. کشتی برای حرکت در دریاها ساخته شده و بسیار مفید و سودمند می باشند اما اگر آب دریا به داخل آنها رخنه کند؛ غرق خواهند شد. مسیحیان نیز همین طور هستند. آنها برای خداوند مفید و با ارزش اند. اما دنیا نباید به قلب آنها رخنه کند به شکلی که دیگر آنها بخشی از دنیا شوند و در آن حل شوند. اگر چنین شود مسیحیان کشتی شکسته می شوند (اول تیموتائوس ۱: ۱۹).

بنابراین خداوند در یوحنا ۱۷: ۱۵ - ۱۶، چنین دعا می کند: "خواهش نمی کنم که ایشان را از جهان ببری، بلکه تا ایشان را از شریر نگاه داری. ایشان از جهان نیستند چنانکه من از جهان نمی باشم". خواست و دعای خداوند برای ایماندارانش این است که از سیستم شرارت بار این دنیا به دور باشند؛ تا به توانند به نحوی واقعی و عملی "متعلق به این جهان" نباشند. باشد که ما مسیحیان خود را از آرایش دنیا نگاه داریم" (یعقوب ۱: ۲۷) تا پاسخی به خواست و دعای خداوند داده باشیم.



بخش دوم: پاسخ ایمانداران به جهان

دنیا و جدایی از آن

مردم جدا شده

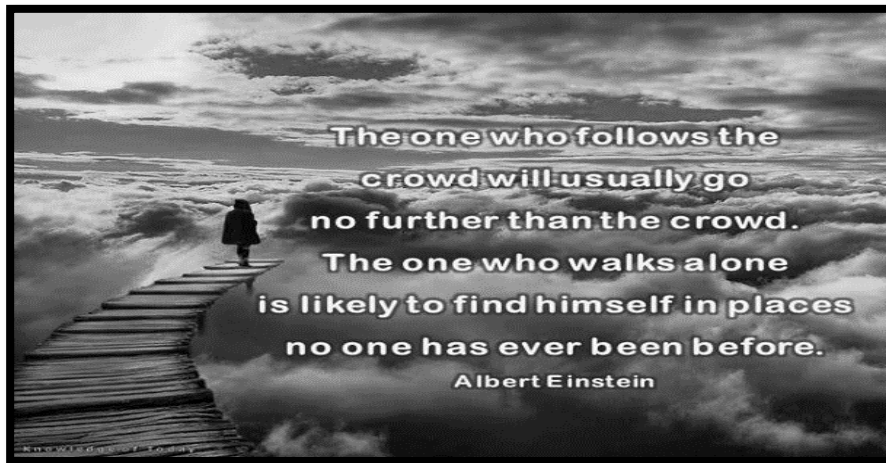
حال خداوند مردمی دارد که به او ملصق شده خود را از دنیای شریری که از عیسی و پدر تنفر دارد؛ جدا نموده اند. این همان راه تازه ای است که ایمانداران باید در آن طی طریق کنند و همان روشی است که روح القدس ساکن در آنها، آنان را به سوی آن هدایت می کند. محال ممکن است که فردی ایماندار در حیات خود کامیاب شود و در مسیح واقعاً شادی کند و از این دنیای شریر و روشهای آن جدا نشود.

قوم خدا در هر عهد و زمانی، دعوت شده اند که خود را برای خداوندشان از دنیا جدا نمایند. قسمت زیرین از کلام خدا بر

این حقیقت تأکید می کند: خروج ۳۳: ۱۶؛ لاویان ۲۰: ۲۴؛ عزرا ۱۰: ۱۱؛ نحمیا ۹: ۲

« و برای من مقدس باشید زیرا که من یهوه قدوس هستم، و شما را از امتهای امتیاز کرده ام تا از آن من باشید» (لاویان ۲۰: ۲۶).

این آیه یکی از بارزترین دعوت های خدا برای مردم عهد عتیق است؛ و همچنین برای ما در روزگار کنونی نیز مصداق دارد. تا خود را از دنیا و متعلقاتش جدا نماییم.



زیر یوغ ناموافق با بی ایمانان مشوید

کسی خود را از این دنیا جدا می کند نمی تواند خود را زیر یوغ ناموافق آنان کند و با سیستم شریانه ای که بر آنها حاکم است همنشینی کند. دوم قرنیتان ۶: ۱۴ در اینباره آموزش های لازم را ارائه می دهد: "زیر یوغ ناموافق با بی ایمانان مشوید، زیرا عدالت را با گناه چه رفاقت و نور را با ظلمت چه شراکت است؟" وقتی دو نفر در زیر یک یوغ قرار گیرند با هم عمل نموده و باهم یکی می شوند. اما مسیحیان چگونه می توانند با بی ایمانان یکی شوند؟ آنها مثل نو و تاریکی با هم تفاوت دارند. زیر یوغ ناموافق شدن موجب خرسندی نخواهد شد. هر کار و مذهب و ازدواجی با بی ایمانان می تواند به منزله زیر یوغ ناموافق شدن با دنیا باشد. بنابراین، این کار می تواند برای حیات روحانی مسیحیان مضر بوده و شهادت آنان را خراب کند. بسیاری از ایمانداران ذهنشان را پیرامون تعالیم فوق مشغول نمی سازند و در عوض خود را گرفتار یوغ های ناموافق بسیاری می کنند و در رنج و عذاب گرفتار می شوند و از رشد نمودن در مسیحیت باز می مانند.

مراقب همنشینان خود باشید

اولین قدم در زیر یوغ ناموافق شدن با دنیا، همنشینی با آن است. بنابراین ایمانداران باید خیلی مراقب باشند که با چه کسانی همنشینی می کنند. نویسنده مزموز می نویسد: "من همه ترسندگان را رفیق هستم، و آنانی را که وصایای تو را نگاه می دارند." (مزموز ۱۱۹: ۶۳). در ابتدا خداوند را به عنوان همنشین اول خود برگزیند و بعد آنانی که او را دوست داشته و فرامین او را اجرا می کنند. ما اغلب از همنشینی و مصاحبت های خود تأثیر می پذیریم. "فریفته شوید! معاشرت بد، اخلاق حسنه را فاسد می سازد" (اول قرنیتان ۱۵: ۳۳). "با حکیمان رفتار کن و حکیم خواهی شد، اما رفیق جاهلان ضرر خواهد یافت" (امثال ۱۳: ۲۰). اگر ایماندار با اشخاصی مصاحبت کند که روش های گناه آلود دنیا را پیروی می کنند؛ بزودی ذهنیتی به مانند آنها خواهد داشت و در سیستم این دنیای حل خواهد شد.

با در نظر گرفتن آنچه در این درس مطرح شد، بر این باوریم که خواننده درک خواهد نمود که که جدایی از دنیا، برای حیات روحانی تا چه اندازه حیاتی و اساسی است. بدون آن یعنی بویسه دوستی با دنیا، فرد ایماندار قادر نیست شادی حیات در مسیح را درک نماید. جدایی از دنیا باید نتیجه طبیعی مشارکت با مسیح و قدم برداشتن در روح و زندگی مطابق طبیعت تازه باشد. پیروی نجات دهند و شادی در او در اثر جدای از دنیا تحقق می یابد. باشد که بیشتر این نیروی و قوت زنده را درک نمایم.

آیا این دنیا با شما بسیار مهربان بوده است که از جدایی با آن اینقدر ناراحت و متأسف اید. امور بهتری فرا روی ما قرار دارد؛ که از آنچه در دنیا جا می گذاریم، ارزنده تر است. سی اس لوئیس

از خصوصیات سیستم این جهان آگاه باشید

دنیا را و آنچه در دنیاست دوست مدارید زیرا اگر کسی دنیا را دوست دارد، محبت پدر در وی نیست. زیرا که آنچه در دنیاست، از شهوت جسم و خواهش چشم و غرور زندگانی از پدر نیست بلکه از جهان است. و دنیا و شهوات آن در گذر است لکن کسی که به اراده خدا عمل می کند، تا به ابد باقی می ماند (اول یوحنا ۲: ۱۵-۱۷).

(آیه ۱۵). این امکان وجود دارد که جوانان در برخورد با دنیا، توسط شیطان دچار مشکل شوند. تا زمانی که این جسم (ذات گناه آلود) در نهاد ما است، دنیا می تواند بسیار خطرناک باشد. ما به عنوان شاهدان مسیح به این جهان فرستاده شده ایم و به آن تعلق نداریم. و علاوه بر این به ما یادآوری می شود که: « دنیا را و آنچه در دنیاست دوست مدارید زیرا اگر کسی دنیا را دوست دارد، محبت پدر در وی نیست». شاید در این جهان وسوسه شویم و یا اینکه در اثر عدم مراقبت توسط آن مغلوب شویم، اما سؤال تأیید کننده و حیاتی، این است که پرسیم آیا دنیا را دوست داریم؟ پاسخ این پرسش بسیار اساسی است برای آنانی که ادعای عضویت خانواده الهی می کنند؛ اما در ظاهر بیشتر در مشارکت با دنیا هستند تا اینکه وقت خود را با ایمانداران صرف نمایند.

(۱۶). یوحنا رسول، در بیان شخصیت و خصوصیت این دنیا، جای هیچ شک و ابهامی را باقی نمی گذارد. اشاره او به دنیا مصداق جهان طبیعی نیست؛ بلکه او به سیستم عظیمی اشاره دارد که به وسیله انسان سقوط نموده، ساخته شده است که نشانه های آن شهوت جسم، خواهش چشم و غرور زندگانی است.

اگر دقت کرده باشید؛ همین سه اصل در سقوط آدمی دخیل بوده اند. شیطان هوا را با طرح چنین سؤالی وسوسه می نماید: آیا خدا حقیقتاً گفته است:.... اگر او کلام خدا را در دل خود نگاه می داشت، می توانست از آن جهت مغلوب نمودن شیطان استفاده نماید. اما متأسفانه کلام خدا بر ذهن و اندیشه او احاطه نداشت؛ از این جهت وقتی می خواهد به کلام رجوع نماید (که نقل قول اشتباهی نیز می نماید!)، تنها در برابر وسوسه شیطان ضعیف و ناتوان است؛ بلکه مغلوب. شکست خورده می شود. در واقع او در دام مکاید و مبانی این دنیا گرفتار می شود. کلام خدا می فرماید او دید که: که آن درخت برای خوراک نیکوست بنابراین دچار خواهش جسم گردید؛ از طرفی نیز متوجه شد که درخت و بنظر خوشنما و درختی دلپذیر است بنابراین دچار شهوت چشم گردید و در نهایت ملاحظه کرد در درختی دانش افزا است و بر آن شد که صاحب آن دانش شود و بالاخره می خوانیم که پس از میوه اش گرفته، بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد. در اثر گرفتار شدن به همین سه اصلی که در دنیا حاکم است آدم ناطاعتی نموده و از باغ عدن اخراج شد. آن که درخت نیکو منظر است! بنابراین دنیا سیستمی است که بوسیله انسان سقوط نموده انتظام یافته است؛ تا خواهش ها و هوسهای متعدد جسم را فراهم آورد و مراتب خوشی و ارضاء شهوت چشم را تأمین نماید؛ همچنین جنبه های مختلفی که ایجاد غرور می نماید را مهیا نماید.

و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست و بنظر خوشنما و درختی دلپذیر و دانش افزا، پس از میوه اش گرفته، بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد. (پیدایش ۳: ۶).

در این دنیا، هیچ چیز به خدا تعلق ندارد؛ و هیچ مُحبّتی نیز به پدر وجود ندارد. به جهت ایماندارن، پدر دُنیای دیگری را باز نموده است که نماد آن دیگر شهوت جسم نیست تا خواسته خود را ارضاء نماید؛ بلکه به محبت در پی برآورده نمودن امور نیکویی است که خدا مُقرر نمود است. دُنیای نیست که تا فقط خواهش چشم را ارضاء نماید، بلکه فضای است که فقط مسیح تنها مقصود و هدف رسیدن به آن است. دُنیای است که در آن چشمان ما مسیح را می نگرند. دُنیای نیست که در آن به حکمت و دانش خود افتخار نماییم بلکه دنیایی است مشخصه آن فروتنی و نشستن در پیشگاه پایهای عیسی مسیح است.

(۱۷). علاوه بر همه آنچه مذکور شد؛ دنیای آدمی در گذر است. اگرچه در نمای ظاهری، دنیای آدمی شاید منطقی و درست به نظر آید؛ اما حقیقت این است که در پس ظاهر نیکو منظر حاکمیت گناه نهفته است؛ و سایه مرگ بر آن افتاده است. در این آیه متوجه می شویم که دُنیایی که در جهالت نسبت به بسر می برد؛ و در تاریکی است؛ در حال گذار و فنا شدن است. برعکس این دنیای فانی، لکن کسی که به اراده خدا عمل می کند، تا به ابد باقی می ماند.

زمین ماتم می کند و پژمرده می شود. ربع مسکون کاهیده و پژمرده می گردد، شریفان اهل زمین کاهیده می شوند" (اشعیا ۲۴: ۴).

پرسش عملی:

زیرا که آنچه در دنیا است، از شهوت جسم و خواهش چشم و غرور زندگانی از پدر نیست بلکه از جهان است. و دنیا و شهوات آن در گذر است لکن کسی که به اراده خدا عمل می کند، تا به ابد باقی می ماند (اول یوحنا ۲: ۱۶).

آیا شما نیز با وسوسه های که در اول یوحنا ۲: ۱۶ مذکور شده اند روبرو شده اید برای هر کدام مثالهایی بزنید؟

شهوت جسم: خواهش چشم: غرور زندگانی:

بخش سوم: رفتار کتاب مقدسی در برابر پول

کتاب مقدس راجع به پول چه می گوید؟

پول از نگاه دنیا امر بسیار مهمی است، از نگاه خداوند، چیز کوچکی است. آنچه با امور کوچک به انجام می رسانیم، کارهای بزرگ را به عمل می رساند و تأثیر و تفاوتی ابدی را به بار می آورد. خداوند بیشتر متوجه امانت داری ما نسبت به اموالی است که به ما سپرده است؛ چه اموال ما بسیار و یا اندک باشند! خداوند عیسی مسیح بیوه زن فقیری را که با سخاوت بسیار، دارایی اندک خود را که به به خدا تقدیم نمود؛ را مورد ستایش قرار می دهد (مرقس ۱۲: ۴۱-۴۴). عملکرد بیرونی این زن انعکاس دهنده امانت و وفاداری درونی این زن بود و حقیقت روحانیت قلبی او را نشان می داد که بر اساس حقایق الهی بنا شده بود.

چیزهای کوچک اگرچه کوچک اند؛ اما امانت در همین امور کوچک نیز کارهای بزرگی را به بار خواهد آورد. هادسون

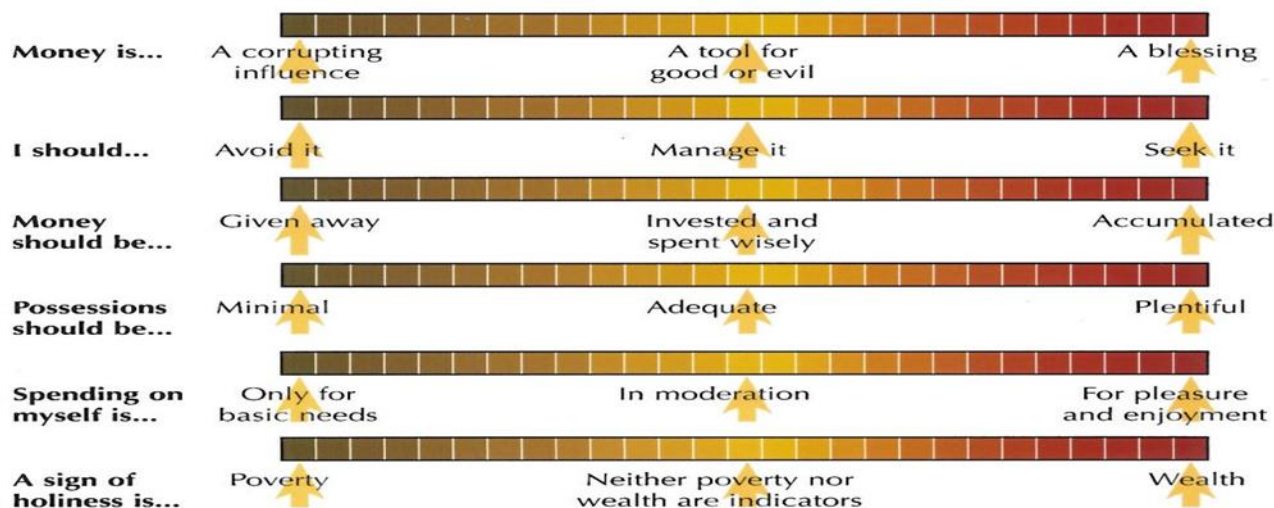
تیلور

گنجها برای خود بر زمین نیندوژید، جایی که بید و زنگ زیان می‌رساند و جایی که دزدان نقب می‌زنند و دزدی می‌نمایند. بلکه گنجها بجهت خود در آسمان بیندوژید، جایی که بید و زنگ زیان نمی‌رساند و جایی که دزدان نقب نمی‌زنند و دزدی نمی‌کنند. زیرا هر جا گنج تو است، دل تو نیز در آنجا خواهد بود.

لیکن اوّل ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد (متی ۶: ۳۳).

بر خورد با مقوله پول

مردم شاید بر خورد یا رفتار مختلفی نسبت به موضوع پول داشته باشند که اغلب مبتنی بر اساس تجربه شخصی و نحوه بزرگ شدنشان است. رفتار و احساس هر کس در مقابل پول باید با نور کلام خدا مورد سنجش قرار گیرد. با توجه به شکل زیر، نگاه شما در زندگی، راجع به پول و مسائل مالی چگونه است؟



پول برای جلال خدا

خداوند صاحب حقیقی ثروت ما است

پس خواه بخورید، خواه بنوشید، خواه هر چه کنید، همه را برای جلال خدا بکنید (اول قرنیتان ۱۰: ۳۱)

برای اینکه بتوانیم پول و منابع مالی را برای جلال خدا به کار بریم، مهم است که بدانیم مالک حقیقی پول و ثروت ما کیست؟

زمین و پُری آن از آن خداوند است، ربع مسکون و ساکنان آن (مزمور ۲۴: ۱)

بِهوه صبايوت می گوید: نقره از آن من و طلا از آن من است (حجی ۲: ۸).

خداوند صاحب حقیقی ثروت ما است

خداوند صاحب اصلی ثروت و دارایی ما است و ما به عنوان ناظران و یا مدیرانی هستیم که او او اموال این دنیا را به ما سپرده است. در واقع ما به نسبت به صاحب حقیقی، پاسخ گو هستیم و باید در تمام مبادلات مالی خود امین باشیم.

آقاییش وی را گفت: "آفرین ای غلام نیک متدین! بر چیزهای کم امین بودی، تو رابر چیزهای بسیار می گمارم. در خوشی خداوند خود داخل شو (متی ۲۵: ۲۳)

از مایملک خود خداوند را تکریم نما و از نوبرهای همه محصول خویش. آنگاه انبارهای تو به وفور نعمت پر خواهد شد، و چرخشتهای تو از شیره انگور لبریز خواهد گشت (امثال ۳: ۹ - ۱۰)

البته به او بدهی و دلت از دادنش آزرده نشود، زیرا که به عوض این کار بیهوه، خدایت، تو را در تمامی کارهایت و هرچه دست خود را بر آن دراز می کنی، برکت خواهد داد (امثال ۱۵: ۱۰).

کسی که در امور کوچک درستکار باشد، در کارهای بزرگ هم درستکار خواهد بود و کسی که در امور کوچک نادرست باشد، در کارهای بزرگ هم نادرست خواهد بود. پس اگر شما در خصوص مال دنیا امین نباشید، چه کسی در مورد آن ثروت حقیقی به شما اعتماد خواهد کرد؟ و اگر شما در مورد آنچه به دیگری تعلق دارد امین نباشید، چه کسی آنچه را که مال خود شماست به شما خواهد داد؟ (لوقا ۱۶: ۹ - ۱۲)

برنامه خدا از نقشه های ما مهمتر هستند

تصمیمات مالی روزانه من ، بر خط سیر ابدیت تأثیر گذارد است! رندی آکلورن

آنگاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید: "بیایید ای برکت یافتگان از پدر من و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است، به میراث گیرید. زیرا چون گرسنه بودم مرا طعام دادید، تشنه بودم سیرآبم نمودید، غریب بودم مرا جا دادید، عریان بودم مرا پوشانیدید، مریض بودم عیادت کردید، در حبس بودم دیدن من آمدید (متی ۲۵: ۳۵ - ۳۶).

خداوند فرزندان خویش را برکت می دهد

پس هرگاه شما که شریر هستید، دادن بخشش های نیکو را به اولاد خود می دانید، چقدر زیاده پدر شما که در آسمان است چیزهای نیکو را به آنانی که از او سؤال می کنند خواهد بخشید! (متی ۷: ۱۱).

خداوند به سخاوت به ما عطا می نماید تا ما نیز به سخاوت به دیگران ببخشیم

اما خلاصه این است: هر که با بخیلی کارد، با بخیلی هم درو کند و هر که با برکت کارد، با برکت نیز درو کند. اما هر کس بطوری که در دل خود اراده نموده است بکند، نه به حزن و اضطراب، زیرا خدا بخشنده خوش را دوست می دارد. ولی خدا قادر است که هر نعمتی را برای شما بیفزاید تا همیشه در هر امری کفایت کامل داشته، برای هر عمل نیکو افزوده شوید. چنانکه مکتوب است که "پاشید و به فقرا داد و عدالتش تا به ابد باقی می ماند". اما او که برای برزگر بذر و برای خورنده نان را آماده می کند، بذر شما را آماده کرده، خواهد افزود و ثمرات عدالت شما را مزید خواهد کرد، تا آنکه در هر چیز دولت مند شده، کمال سخاوت را بنمایید که آن منشأ شکر خدا بوسیله ما می باشد. (دوم قرنتیان ۹: ۶-۱۱)

توکل و اعتماد بر خداوند اهمیت دارد

نکته مهم و اصلی در چرخه دریافت برکات مالی از خدا و با سخاوت بخشیدن به دیگران، اعتماد ما به خدا نهفته است.

قوت هر چیز را دارم در مسیح که مرا تقویت می بخشد.... اما خدای من همه احتیاجات شما را بر حسب دولت خود در جلال در مسیح عیسی رفع خواهد نمود. (فیلیپیان ۴: ۱۱ و ۱۹)

خطر پول ÷

پول می تواند به منزله برکتی برای جلال دادن بکار رود و یا اینکه به عنوان بُتی همه زندگی ما را به فساد کشیده و سلوک و قدمهای ما با خدا را صدمه بزند. وقتی ما دائماً و به شکلی اعتیاد گونه در پی کسب و درآمد و مال اندوزی و ثروت باشیم تا اینکه پول خود را برای خدمت او بکار ببریم، تبدیل به خدمت گذاران و غلامان پول گردیده ایم.

خدمت کردن به پول میتواند ما را از خدا دور کند

هیچ کس دو آقا را خدمت نمی تواند کرد، زیرا یا از یکی نفرت دارد و با دیگری محبت، و یا به یکی می چسبد و دیگری را حقیر می شمارد. محال است که خدا و ممونا را خدمت کنید. (متی ۶: ۲۴)

کاشته شده در خارها آنانی می باشند که چون کلام را شنوند، اندیشه های دنیوی و غرور دولت و هوس چیزهای دیگر داخل شده، کلام را خفه می کند و بی ثمر می گردد (مرقس ۴: ۱۸-۱۹).



پول دوستی منتهی به خرابی و ویرانی می شود

طمع می‌ورزید و ندارید؛ می‌کشید و حسد می‌نمایید و نمی‌توانید به چنگ آرید؛ و جنگ و جدال می‌کنید و ندارید از این جهت که سوال نمی‌کنید؛ و سوال می‌کنید و نمی‌باید، از اینرو که به نیت بد سوال می‌کنید تا در لذات خود صرف نمایید

(یعقوب ۴: ۲-۳).

اما آنانی که می‌خواهند دولتمند شوند، گرفتار می‌شوند در تجربه و دام و انواع شهوات بی‌فهم و مضر که مردم را به تباهی و هلاکت غرق می‌سازند. زیرا که طمع ریشه همه بدیهاست که بعضی چون در پی آن می‌کوشیدند، از ایمان گمراه گشته، خود را به اقسام دردها سفتند. (اول تیموتائوس ۶: ۹-۱۰)

به فراوانی حکمت و تجارت خویش دولت خود را افزوده‌ای پس به سبب توانگری ات دلت مغرور گردیده است (حزقیال ۲۸: ۵).

به جای پول بر خدا اعتماد نمایید

وعده های نادرست پول، زودگذر بوده و نهایتاً ارضاء کننده نمی باشند. اما وعده های خدا ابدی بوده و همیشه قابل اعتماد و پایداراند.

سیرت شما از محبت نقره خالی باشد و به آنچه دارید قناعت کنید زیرا که او گفته است: تو را هرگز رها نکنم و تو را ترک نخواهم نمود. (عبرانیان ۱۳: ۵)

پرش عملی:

آیا تا کنون به وعده های دروغین پول دوستی فکر کرده اید، اگر چنین است در هر موردی که با آن روبرو شده اید مثالی بزنید؟

وعده های دروغین پول	وعده های کتاب مقدس
امنیت	دولتمندان این جهان را امر فرما که بلندپروازی نکنند و به دولت ناپایدار امید ندارند، بلکه به خدای زنده که همه چیز را دولتمندانه برای تمتع به ما عطا می کند (اول تیموتائوس ۶: ۱۷)
قدرت	مترس زیرا که من با تو هستم و مشوش مشو زیرا من خدای تو هستم! تو را تقویت خواهم نمود و البته تو را معاونت خواهم داد و تو را به دست راست عدالت خود دستگیری خواهم کرد... زیرا من که یهوه خدای تو هستم دست راست تو را گرفته، به تو می گویم: مترس زیرا من تو را نصرت خواهم داد. (اشعیا ۴۱: ۱۰ و ۱۳)
مزیت و جایگاه اجتماعی	و از مشرق و مغرب و شمال و جنوب آمده، در ملکوت خدا خواهند نشست. و اینک آخرین هستند که اولین خواهند بود و اولین که آخرین خواهند بود. (لوقا ۱۳: ۲۹ - ۳۰)
موفقیت	ای برادران عزیز، گوش دهید. آیا خدا فقیران این جهان را برنگزیده است تا دولتمند در ایمان و وارث آن ملکوتی که به محبان خود وعده فرموده است بشوند؟ (یعقوب ۲: ۵)
مورد محبت و توجه قرار گرفتن	یهوه خدایت در میان تو قدیر است و نجات خواهد داد. او بر تو شادی بسیار خواهد نمود و در محبت خود آرامی خواهد یافت و با سرودها بر تو شادی خواهد نمود. (صفنیا ۳: ۱۷)
آسایش خیال	بیایید نزد من ای تمام زحمتکشان و گرانباران و من شما را آرامی خواهم بخشید. (متی ۱۱: ۲۸)
رهایی از نتایج شرایط ناگوار	توانگری در روز غضب منفعت ندارد، اما عدالت از موت رهایی می بخشد. (امثال ۱۱: ۴)
شادی	شادمانی خود را در خداوند جستجو کن و او خواهش دلت را برآورده خواهد ساخت. (مزامیر ۳۷: ۴)

باید ها و نباید ها در رابطه با پول

باید ها	نباید ها
خداوند را محبت نما (تثنیه ۶: ۵)	به آن عشق مروز (لوقا ۱۶: ۳)
تنها امور خدا باقی خواهند ماند (متی ۲۱: ۱۹)	گمان نکن پول همیشه باقی خواهد ماند (ارمیا ۱۷: ۱۱)
بیاد آور که تنها خدا می تواند تو را نجات بخشد (مزامیر: ۲۷: ۱)	گمان نکن پول می تواند تو را نجات بخشد (مزامیر: ۳۷: ۱۶ - ۱۷)
خدا را خدمت نما (اول پطرس ۵: ۲) و (یعقوب ۴: ۱۳ - ۱۵)	پول را خدمت نکن (متی ۶: ۲۴)
به آنچه داری قانع باش (لوقا ۳: ۱۴)	به آنانی که ثروتمند هستند حسد مبر (خروج ۲۰: ۱۷)
بیاد آور که خدا مهبیا کننده است (ایوب ۱: ۲۰ - ۲۱) و (مرقس ۱۲: ۴۱ - ۴۴)	آنرا ذخیره نکن (یعقوب ۵: ۳ - ۶)
آرامش خود را در خداوند جستجو نما (رومان ۱۵: ۱۳)	بواسطه پول احمق نباش (امثال ۱۷: ۱۶)
بر خدا توکل نما (امثال ۱۸: ۱۰ - ۱۱)	بر پول توکل نکن (مزامیر: ۶۲: ۱۰)
با زندگی برای خدا برکات او را دریافت نما (دوم قرنیتیان: ۶: ۱۰)	گمان نکن برکات خدا را می شود با پول خرید (اعمال ۸: ۹ - ۲۴)
با پولت قرضهات را ادا نما (مزامیر: ۳۷: ۲۱)	پولت را به جهت ظلم و ناراستی بکار مبر (میکا ۲: ۲)
برای کسب پول کار کن (دوم تسالونیکیان: ۹ - ۱۱)	برای بدست آوردن پول مردم را پریشان نکن (امثال ۲۲: ۱۶) و (عاموس ۲: ۶ - ۷)
پولت را با عدالت مدیریت کن (لاویان ۲۵: ۱۴) و (مزمور ۱۱۲: ۵)	دزدی نکن (تیتوس ۲: ۹ - ۱۰) و (خروج ۲۰: ۱۵)
ببخش به آنانی که نیازمند هستند (متی ۵: ۴۱ - ۴۲)	فقط ثروتمندان را حرمت مدار (یعقوب ۲: ۲ - ۶)
پولت را امانت خرج کن (امثال ۱۱: ۱)	پولت را با ناراستی بکار مبر (امثال ۱۳: ۱۱)
با پولت خداوند را جلال ده (امثال ۳: ۹ - ۱۰)	پولت را برای شرارت بکار مبر (حزقیال ۸: ۱۲ - ۱۳)
درآمد و کسب داشته باش (امثال ۱۳: ۴)	پولت را به زور و اخاذی کسب نکن (حزقیال ۲۲: ۲۹)
با قصد و هدف قبلی ببخش (اول قرنیتیان ۱۶: ۲)	برای پول طمع موز (لوقا ۱۲: ۱۵)
بدان که خداوند از تو مراقبت خواهد نمود (امثال ۱۵: ۲۵)	برای پول و مسائل مالی نگران نباش (متی ۶: ۳۴)

پس بدیشان گفت: “زهار از طمع پرهیزید زیرا اگر چه اموال کسی زیاد شود، حیات او از اموالش نیست (لوقا ۱۲:

۱۵).

